

قتل پدر و مادر با اسلحه یادگاری

مرد تریاکی وقتی با اعتراض خانواده‌اش روبه‌رو شد با تفنگ یادگاری که از دوستش گرفته بود پدر و مادرش را به قتل رساند و پسرادر کوچکترش را زخمی کرد. به گزارش خبرنگار مسا، ساعت ۱۵ عصر روز چهارشنبه ۳۰ خردادماه امسال قاضی مرادی، باز پرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۲۸ تهران‌نوا از حادثه خونینی در یک خانه قدیمی در خیابان قانی حوالی خیابان دماوند با خبر و همراه تیمی از کاراگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران راهی محل شدند. تیم جنایی در محل حادثه در طبقه دوم خانه قدیمی با جسد زن ۲۸ ساله‌ای به نام پروین روبه‌رو شدند که با اصابت گلوله به سرش به قتل رسیده بود. بررسی‌ها نشان داد شوهر ۵۶ساله مقتول به نام احمد هم در این حادثه از ناحیه سسر با اصابت گلوله به شدت زخمی و به بیمارستان منتقل شده است. مأموران همچنین در بررسی‌های بعدی متوجه شدند که یکی از پسران خانواده به نام شروین ۲۹ساله هم از ناحیه سر زخمی شده است. مأموران در نخستین شاخه از تحقیقات از دو پسر این خانواده تحقیق کردند. پیمان پسر ۳۲ساله این خانواده در ادعایی گفت: داخل خانه‌مان بودم که سه مرد نقابدار وارد خانه شدند و به سمت پدر و مادرم حمله کردند. آنها با شلیک گلوله مادر و پدرم را به قتل رساندند. همان لحظه برادرم را خودرواش وارد حیاط خانه شد و سه مرد نقابدار کلت گرمی را به من دادند و تهدید کردند برادرم را بکشم. من به طرف برادرم شلیک کردم که او زخمی شد و به داخل اتاق فرار و در را قفل کرد و سه مرد نقابدار هم از محل گریختند.

شروین هم در تحقیقات گفت: وقتی وارد خانه شدم روی پله‌ها صدای شلیک تیری به گوشم رسید که متوجه شدم به صورت سطحی از ناحیه سر زخمی شده‌ام. از ترس به داخل خانه‌مان در طبقه اول فرار و در را قفل کردم که با پیکرهای خونین پدر و مادرم روبه‌رو شدم. در همین حال برادرم پنجره را شکست و از محل گریخت.

بررسی‌ها نشان داد که مقتول صاحب مغازه ساندویچی است که در محل کارش با اصابت ضربات چاقو هدف قرار گرفته و به قتل رسیده است. هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی سپسر مقتول گفت که از چند روز قبل مرد جوانی را دیده است که در چند نوبت به محل کار پدرش آمده و با او مشاجره کرده است. با اطلاعاتی که وی در اختیار پلیس گذاشت کاراگاهان پلیس متهم را که مر دی ۲۵ساله به نام بهروز بود بازداشت کردند. او گفت که با مقتول اختلاف داشته، اما در جریان قتل وی نقش نداشته است. مرد مظنون ادامه داد: ۲۰سال قبل فرامرز بعد از تعرض به برادرم وی را به قتل رساند. بعد از آن بود که من به در خواست خانواده‌ام شکر تور کردم و راهی هلند شدم تا اینکه سال گذشته به تهران برگشتم.

وی ادامه داد: من از مقتول کینه داشتم برای همین چندبار به ه هشدار دادم. متهم اما در جریان تحقیقات فنی پلیس روز گذشته به قتل اعتراف کرد، اما درباره انگیزه‌اش سکوت کرد.

سرهنگ حمید مکرم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: با توجه به اعتراف متهم به ارتکاب قتل، قرار بازداشت موقت وی از سوی باز پرس صادر شد و متهم برای انجام تحقیقات تکمیلی و مشخص شدن انگیزه از تکاب قتل در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته است.

قاتل مرد ساندویچی

به جرمش اعتراف کرد

پسر جوانی که متهم است مرد ساندویچی را در شرق تهران به قتل رسانده سسر انجام قتل سکوت را شکست و به جرمش اعتراف کرد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲ بامداد دوشنبه ۲۸ خردادماه بود که قاضی منافی آذر، باز پرس ویژه قتل تهران با تماس مأموران کلانتری ۱۲۸ تهران نوا ز قتل مردی ۲۳ساله در محل کارش با خبر شده و همراه تیمی از کاراگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران در محل حاضر شد.

بررسی‌ها نشان داد که مقتول صاحب مغازه ساندویچی است که در محل کارش با اصابت ضربات چاقو هدف قرار گرفته و به قتل رسیده است. هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی سپسر مقتول گفت که از چند روز قبل مرد جوانی را دیده است که در چند نوبت به محل کار پدرش آمده و با او مشاجره کرده است. با اطلاعاتی که وی در اختیار پلیس گذاشت کاراگاهان پلیس متهم را که مر دی ۲۵ساله به نام بهروز بود بازداشت کردند. او گفت که با مقتول اختلاف داشته، اما در جریان قتل وی نقش نداشته است. مرد مظنون ادامه داد: ۲۰سال قبل فرامرز بعد از تعرض به برادرم وی را به قتل رساند. بعد از آن بود که من به در خواست خانواده‌ام شکر تور کردم و راهی هلند شدم تا اینکه سال گذشته به تهران برگشتم.

وی ادامه داد: من از مقتول کینه داشتم برای همین چندبار به ه هشدار دادم. متهم اما در جریان تحقیقات فنی پلیس روز گذشته به قتل اعتراف کرد، اما درباره انگیزه‌اش سکوت کرد.

سرهنگ حمید مکرم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: با توجه به اعتراف متهم به ارتکاب قتل، قرار بازداشت موقت وی از سوی باز پرس صادر شد و متهم برای انجام تحقیقات تکمیلی و مشخص شدن انگیزه از تکاب قتل در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته است.

شنای مرگ

در بالبرود

مرد جوانی روز گذشته هنگام شنا در بالبرود شهرستان پابل غرق شد.

این حادثه زمانی رخ داد که این مسافر تهرانی همراه خانواده‌اش در رودخانه در حال شنا بودند، ولی به علت عدم شناخت منطقه و وضعیت رودخانه جانش را از دست داد.

دکتر احمد محمدپور، رئیس مرکز فوریت‌های پزشکی اورژانس ۱۱۵ پابل به ایرنا گفت که این حادثه را منابع مردمی به مرکز فرماندهی سازمان اورژانس اطلاع دادند و بلافاصله تکنسین‌های پایگاه سیدکلا و هلدیت را به محل اعزام کرد. وی ادامه داد: پیکر بی جان این فرد حادثه دیده بعد از حدود یک ساعت جست‌وجو در آب رودخانه کشف و به تکنسین‌های اورژانس تحویل داده شد.

وی گفت که تکنسین‌های اورژانس تلاش فراوانی برای احیا این فرد انجام دادند که متأسفانه ثمری نداشت، ولی با این‌حال وی را به بیمارستان ۱۷ شهرویر مریکلا پابل منتقل کردند و تلاش‌های کار درمانی بیمارستان هم این جوان را به زندگی باز نگرداند.

و وارد اتاق شد و ادعا کرد سه مرد نقابدار به پدر و مادرم حمله کرده‌اند. در حالی که بررسی‌ها درباره این حادثه ادامه داشت مأموران دریافتند مرد ۵۶ساله هم شامگاه پنج‌شنبه ۳۱ خردادماه در بیمارستان بر اثر شدت خونریزی فوت کرده است. از سوی دیگر مأموران در بررسی‌های فنی متوجه تناقض گویی‌های پیمان شدند و دریافتند وی از مدتی قبل به خاطر اعتیادش با خانواده‌اش اختلاف داشته به طوری‌که چند باری با پدر و مادرش درگیری داشته است. بنابراین مأموران پیمان را بازداشت کردند و مورد بازجویی فنی قرار دادند.

وی در ابتدا منکر قتل پدر و مادرش شد، اما وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شد به جنایت هولناکی اعتراف کرد.

صبح دیروز متهم برای بازجویی به دادرسی امور جنایی تهران منتقل شد. وی مقابل قاضی مرادی به قتل پدر و مادرش و زخمی کردن برادر کوچکترش اقرار کرد.

سرهنگ کاراگاه حمید مکرم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: متهم جهت انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته است.

گفت‌وگو با متهم

خودت را معرفی کن؟

پیمان هستم ۳۲ساله.

به چه کاری مشغول بودی؟

من کابینت‌ساز هستم. پدرم نیز کابینت ساز بود.

متاهلی؟

بله، یک دختر هفت‌ساله دارم اما مدتی قبل همسرم طلاق گرفت و الان همراه دخترم زندگی می‌کنم و من هم در زیرزمین خانه‌مان اتاقی دارم و به تنهایی زندگی می‌کنم.

چرا طلاق گرفت؟

چهارسال قبل به تریاک معتاد شدم و الان هم شیره تریاک مصرف می‌کنم. به خاطر اعتیادم همسرم از من جدا شد.

چه شد که پدر و مادرت را به قتل رساندی؟

توهم داشتم و متوجه نشدم.

شما که گفتی تریاک مصرف می‌کنی؟

بله، اما چند روز قبل یکی از دوستانم قرص روانگردانی به من داد و گفت اگر آن را مصرف کنم، می‌توانم تریاک را ترک کنم.

آن روز ابتدا قرص را خوردم، اما فایده‌ای نداشت و شروع به مصرف تریاک کردم که پدرم از راه رسید و به من اعتراض کرد و این اتفاق افتاد.

بیشتر توضیح بده؟

داخل پارکینگ در حال مصرف تریاک بودم که پدرم وارد حیاط شد. وقتی مرا در حال مصرف دید به من اعتراض کرد و گفت بروم برای خودرواش باتری بخرم. به داخل خانه رفتم و در حال لباس پوشیدن بودم که دوباره شروع به توهین و تحقیر من کرد.

حرف‌های تحقیر آمیزش خیلی مرا آزار داد که یک لحظه به فکر اسلحه کم‌رمی‌ام افتادم. اسلحه را برداشتم و روی سرم گذاشتم و تهدید کردم خودم را می‌کشم که پدرم با مشت به صورتم کوبید و گفت جرئت نداری و رفت. پس از این من از پشت به سرش شلیک کردم. مادرم داخل آشپزخانه در حال بیرون آوردن لباس‌ها از داخل ماشین لباسشویی بود که صدای شلیک را شنید و فریاد زد که به سراغش رفتم و یک تیر هم به سوی او شلیک کردم.

چه شد که تصمیم گرفتی برادرت را بکشی؟

خیلی ترسیده بودم و به اتاقم رفتم و وسایل، پول‌ها و کارت عایرم را برداشتم تا فرار کنم که برادرم با خودرواش وارد حیاط خانه شد. او متوجه شد که من وحشت زده شدم. من با او قهر بودم که گفتگ را به سوشش گرفتم و شلیک کردم. گلوله از یک ساتی سرش عبور کرد و کمی او را زخمی کرد. برادرم از ترس فرار کرد و به خانه رفت و در را قفل کرد. شیشه پنجره را شکستم و از پنجره وارد شدم و او را تهدید به مرگ کردم. برادرم

از من خواست او را نکشم

و به من گفت فسرار کنم که

تصمیم گرفتم به مأموران

پلیس به دروغ بگویم سه

مرد نقابدار به پدر و مادرم

حمله کرده‌اند.

قبل از روز حادثه با پدر و مادرت هم درگیری داشتی؟

با پدرم بله. او چند روز قبل از طریق اینستاگرامش به من پیام داد و گفت من آدم بی‌مصرفی هستم و نوشته بود که اعتیادم را ترک نکنم بلایی سرم می‌آورد.

اسلحه را از کجا خریدی؟

اسلحه یادگاری یکی از دوستانم است.

یعنی پول ندادی؟

من چند ماه قبل برای یکی از دوستانم دو کیلو مواد مخدر جابه‌جا کردم. او قصد داشت به من پول بدهد که قبول نکردم و به خاطر دستمزد من این اسلحه را یادگاری به من داد.

الان چه حسی داری؟

خیلی پشیمان هستم. من زمان حادثه حال خوشی نداشتم و وقتی برادرم به من گفت تفنگ را کنار بگذارم تازه متوجه شدم چه جنایتی کرده‌ام.

چرا به پلیس دروغ گفتی؟

ترسیدم.

اسلحه را چه کار کردی؟

اسلحه را داخل خاک اره‌هایی داخل حیاط مخفی کردم که بعد تحویل پلیس دادم.

شکارچی خرگوش

قاتل انسان شد

جرم مباشرت در قتل و امین و محمدرضا را به اتهام شرکت در نزاع مجرم شناخته و کفرخواست علیه آنها صادر شد.

پس از آن بود که پرونده در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی شد. در ابتدای جلسه اولیای دم گفتند که خواسته‌شان قصاص متهم است. در ادامه مراد در جایگاه حاضر شد و گفت:قبول دارم که دست به اسلحه بردم و گلوله را با شلیک کردم، اما قصد قتل نداشتم. او توضیح داد: برادرم به بیماری سرطان مبتلا شده بود و پزشکان از او قطع امید کرده بودند. شنیده بودم که گوشت خرگوش برای درمان او مفید است برای همین اسلحه شکاری خریدم تا به شکار خرگوش بروم. همان لحظه برادرزاده‌ام تماس گرفت و ماجرای درگیری‌اش را شرح داد و درخواست کمک کرد.وقتی همراه محمدرضا در محل حاضر شدیم مقتول و دوستاش باشمشیر و قمه به ما حمله کردند.من هم برای ترساندن آنها دست به اسلحه بردم و چند تیر هوایی شلیک کردم.امین و علی، اما تلاش می‌کردند هر طور شده برادرزاده‌ام را با خودشان ببرند. ما سوار خودرو شدیم تا محل را ترک کنیم که امین با آجر ضربه‌ای به شیشه ماشینم زد که شکست. من در حال حرکت چند تیر شلیک کردم که یکی از گلوله‌ها بازمین برخورد کرد و بعد از کمانه کردن به زمین اصابت کرد. در ادامه محمدرضا و امین، اتهام شرکت در نزاع را قبول کردند. محمدرضا گفت: من فکر نمی‌کردم که یک اختفای کودکانه منجر به قتل و گرفتاری تا این حد شود.

هیئت قضایی بعد از ختم جلسه وارد شور شد و با توجه به نظریه کارشناسان اسلحه‌شناسی که اعلام کرده بودند گلوله به صورت غیر مستقیم و احتمالا پس از نزاع از رقبول کرده بودند، محمدرضا متهم مراد را از قتل تبرئه و وی به پرداخت دیه و شش سال زندان محکوم کرد. امین و محمدرضا نیز هر کدام به خاطر شرکت در درگیری منجر به قتل و تخریب عمدی به شش سال زندان محکوم شدند. رأی دادگاه بعد از بررسی در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور تأیید شد.

قاتل مرد پولدار محاکمه می‌شود



می‌داد لحظه حادثه مقتول و وکیلش در پله‌ها هستند و در همین هنگام متهم با مقتول در گیر می‌شود و در یک لحظه چاقویی از جیبش بیرون می‌آورد و ضربه‌ای به پشت گردن مقتول می‌زند. متهم وقتی فیلم دوربین مداربسته را مشاهده کرد به قتل مرد پولدار اعتراف کرد.

قاضی مدیر روستا پس از تحقیقات تکمیلی برای متهم به جرم قتل عمد کیفرخواست صادر کرد. بدین ترتیب متهم به زودی در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شود.



رسیدیم تا اینکه روز حادثه قرار گذاشتیم که در دفتر خانهای در مجتمع تجاری مورد نظر حاضر شویم تا سند به نام من منتقل شود. آن روز جلوی دفتر خانه با پسر شاپور درگیر شدم، اما او رفت و من همراه مقتول در راه پله‌ها با دیگر به صورت لفظی درگیر و در یک لحظه عصبانی شدم و او را هل دادم. او تعادلش را از دست داد و با سر به لبه دیوار بر خورد کرد. همین مسئله باعث شد او از هوش برود.

در حالی که متهم این ادعا را مطرح می‌کرد مأموران فیلم دوربین‌های مدار بسته محل حادثه را بازبینی و راتل را بر ملا کردند. فیلم نشان



دکتر سعید منتظرالمهدی *

تأملی در روان‌شناسی سارقان

تأمل و مذاقه در ادبیات پژوهشی آسیب‌ها و کجروی‌های اجتماعی نشان می‌دهد که پدیده «سرق» از منظر های متفاوت مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفته است به همین سبب در این خصوص حجم وسیع و انبوهی اطلاعات در دست است و با اندکی جست‌وجو در پایگاه‌های علمی و پژوهشی می‌توان به شمار زیادی از آن دست یافت، اما در مقابل این حجم انبوه اطلاعات مربوط به پدیده سرق،ت اطلاعات محدودی در خصوص «سارقان» در دسترس است. گویی اندیشمندان و محققان قبلی مطالعه و کاوش روشمند در این قلمر و انجام داده‌اند. با این حال بسیاری بر این واقعیت اذعان دارند که درک و تبیین دقیق و کامل پدیده سرق‌ت بدون درک ژرف و جامع از سارقان میسر نخواهد شد. با این‌ااعان به این واقعیت، این نوشتار می‌کوشد تا به اجمال و با بهره‌گیری از یافته‌های چند «تک بررسی» (case study) و استفاده از اطلاعات استخراج شده از تعدادی محدود از پژوهش‌ه‌انوری هر چند کم،سو،بر این قلمرو بیفکند تا بلکه سرآغازی برای توجه‌فزون تر «بالینی کاران»، «پژوهشگران» و «تحلیل‌گران» به این حیطه کمتر شناخته شده باشد.

در این نوشتار تلاش می‌شود تا از طریق ارائه پاسخ به چند پرسش مهم به شرح برخی ابعاد روان‌شناختی «سارقان» بپردازد. آن پرسشی‌ها چنین‌اند:

- ۱- آیا تمامی سارقان از حیث شخصیتی «همگن» و همسان هستند؟
- ۲- آیا تمامی سارقان را می‌توان در زمره بیماران روانی جای داد؟
- ۳- کدام عوامل روانی موجب گرایش تعدادی از افراد جوامع مختلف به پدیده سرق‌ت می‌شود؟
- ۴- آیا قف و محرومیت‌ها و محدودیت‌های مادی می‌توانند افراد را به سوی ارتکاب اقدامات کژسازگارانهای همچون سرق‌ت سوق دهند؟
- ۵- آیا می‌توان جامعه‌ای عاری از سارق داشت؟

یک، اگر همچون گروه وسیعی از روان‌شناسان، شخصیت را مجموعه صفات، ویژگی‌ها و کنش‌های آشکار و نهان افراد بدانیم، پاسخ‌مان به پرسش نخست آشکارا منفی است. چه یافته‌ها نشان داده‌اند که گرچه اغلب سارقان در ویژگی‌هایی نظیر «ناخستگی روانی»، «کنش‌ش‌وری»، «نوع دوستی ضعیف» و «وجدان اخلاقی ضعیف» شبیه یکدیگرند، اما از حیث «حیث شخصیتی» نمی‌توان آنها را در یک دسته جای داده، چرا اینکه عده‌ای از آنها به صورت مشخص «سایکوپات» (روان درم‌دند) هستند و بی‌محابطا مال و جان دیگران را مورد تعرض قرار می‌دهند (به ویژه آنهایی که سرق‌ت به عنف دارند در این گروه جای می‌گیرند)، عده‌ای دیگر از آنان (به ویژه افراد کم سن و سال تر) دچار سندرم کلیتومانی (جنون دزدی) هستند. این گروه به صورت وسواسی و بدون آنکه نیاز داشته باشند،اشیاء وسایل دیگران را به سرق‌ت می‌پزند. همچنین گروه دیگری از سارقان تیپ شخصیتی «پارانویید» دارند. اینان سوظن، کینه و نفرت زیادی از افراد جامعه دارند و لذا با سرق‌ت اموال آنان می‌کوشند تا کینه و نفرت خود را تسکین ببخشند. در کل می‌توان اذعان داشت که اغلب سارقان از حیث شخصیتی «غیر عادی» (انورمال) هستند.

در تحلیل‌های صورت گرفته پیرامون سارقان دستگیر شده نشان داده است که نرخ شیوع انواع «چون رنجوری» در بین سارقان بیش از جمعیت عادی است. به عنوان مثال، در چند مطالعه کنترل شده، سارقان در خصیصیتی چند گانه مینه‌سوتا (SCL) در مقیاس سنجش اختلالات روانی، به مراتب در مقایسه با جمعیت عادی جامعه نمرات بیشتری کسب کردند. این بدان معناست که سارقان اضطراب بیشتری دارند، از انواع هراس‌ها رنج می‌برند، روابط بین فردی مختلی دارند و فاقد ارایش و ایمنی هستند.اما سارقان «سایکوتیک» (روان‌پریش) نیستند. بنابراین، گرچه از برخی اختلالات روان‌شناختی رنج می‌برند، اما چون هذیان و توهم ندارند و ارتباط آنها با واقعیت قطع نشده است، نسبت به پیامدهای اعمال و رفتار خود هشیار هستند و لاجرم نمی‌توان آنها را به پهل‌ه‌وان رنجوری از مکافات معاف کرد.

سه، سرق‌ت را می‌توان نوعی رفتار «یادگرفته‌شده» تلقی کرد. به بیانی دیگر می‌توان اذعان کرد که کسی، سارق متولد نمی‌شود بلکه سارقان سرق‌ت را از طریق «الگوگیری» (مشاهده الگوهای تلویزیونی) زنده یا مشاهده الگوهای، «شرطی شدن» و «خوگیری» (عادت کردن) می‌آموزند و بر اساس «پیامدهای حاصل از رفتار» آن را استستمرار می‌بخشند یا به کناری می‌نهند. چند عامل درونی – روانی نیز سهم و نقش معناداری در گرایش برخی افراد به رفتار کجروانه دزدی دارند.

برخی از آن عوامل عبارت‌اند از:

- ۱- اختلالی شدن شمعیفابینگوینگ افراد به دلیل ضعیف بنیان‌های تربیتی، سکونت در حاشیه‌نشینی‌ها، فقدان انضباط و قواعد معین در خانواده و حضور در خانواده‌های کسسته، نهمانچر، نتوانست‌اند هنجارهای جامعه را در سنین حساس درونی سازند.
- ۲- فقدان مهارت‌های بسنده، اغلب سارقان فاقد مهارت‌های لازم برای زیست هنجارمند و شرافتمندانه هستند.
- ۳- ظرفیت اطلاق و سازگاری اندک
- ۴- رویارویی با سارقان افراطی
- ۵- احساس حقارت

۶- تمایل شدید به همنوایی با افراد ناهنجار

چهار، هم شواهد پژوهشی و هم تجارب معمول نشان می‌دهد که فقر و محرومیت‌فی‌نفسه نمی‌توانند کسی را به‌سوی کجروی سوق دهند.چه بسیاری فقیرانی که نه تنها حقیر نیستند بلکه بزرگوارانه و شرافتمندانه زندگی می‌کنند و هرگز دامن خود را به کجروی و سرق‌ت آلوده نمی‌سازند، اما زمانی که فقر به یک انگیزش روان‌شناختی تبدیل شود مثلا چنانچه فرد فقیر از یک سوءاحساس تبعیض‌ویی عدالتی کند و از دیگر سوءعامل بازدارنده درونی نداشته باشد و ضمایبم و ترس گرفتار شدن نداشته باشد و امکان سرق‌ت برایش فراهم باشد، امکان دست‌یازیدن او به سرق‌ت وجود دارد. به تعبیر ویبان روان‌شناختی، محرومیت موجب کجروی نمی‌شود بلکه محرومیت نسبی می‌تواند زمینه‌ساز کجروی شود.

پنج، اگر با نگاهی واقع‌بینانه به موضوع سرق‌ت و تیپ‌شخصیتی سارقان و خصائص روانی آنان و نیز به عوامل جامعه‌شناختی درون جوامع بنگریم، پاسخ سؤال پنجم منفی خواهد بود، اما بدون تردید با بهیود برخی فرایندهای تربیتی (اعم از فرآیندهای درون خانواده و مدرسه) و اصلاح و بهیود و جامعه‌یاد کردن، انگاه هم می‌توان امیدوار به کاهش شمار سارقان در جامعه بود. افزون بر آن، از نگاه درمانی به سارقان کم سن و سال نیز نباید غافل بود. اگرچه، چنین افرادی ممکن است بر اثر عواملی چون آسیب‌های جزئی مغزی و کرکار کردی روانی، ناهوشیارانه دست به چنین رفتارهایی بزنند.

***ععاون اجتماعی ناچا**